



در به در به دنبال شادی

دکتر احمد پدram

فهرست مطالب

مقدمه.....	۷	گردو شکن.....	۵۶
خاطرات.....	۹	کفش جفت شده.....	۵۸
فانوس.....	۱۱	سرطان.....	۵۹
فرانس.....	۱۳	مطب‌داری یا شوهرداری؟.....	۶۱
ث. چار زندگی می‌کنید؟.....	۱۶	واگویه.....	۶۵
تاکسی.....	۲۰	خودشناسی.....	۶۷
آبرو.....	۲۴	همکارم و بیمارستان.....	۶۹
بی‌وفائی.....	۲۶	فردوس.....	۷۲
بدو! بدو... گاو صندوق!.....	۲۹	بهبودی.....	۷۴
دکتر دانشور.....	۲	برهان و استدلال.....	۷۶
در به در به دنبال شادی.....	۳۳	مرددی.....	۷۸
من اگر جای تو بودم	۳۶	سماور.....	۸۰
دل خوش سیری چند؟.....	۳۸	آقا... «وای»!.....	۸۲
قبر ارزان.....	۴۱	تابوت.....	۸۴
خانم کم توقع.....	۴۳	کَلَفَتِ افغان.....	۸۷
مرغ همسایه غاز است!.....	۴۴	شان انگشتر من.....	۹۱
خانه‌ی خاله.....	۴۶	طاووس.....	۹۴
بندِ رخت.....	۴۷	من چی بیوشم ...!.....	۹۶
مرض فرشته بودن.....	۴۹	بسته بندی مدفوع!.....	۹۹
بد قولی.....	۵۱	خاطره‌ای از یک دوست.....	۱۰۱
چرخه‌ی معیوب.....	۵۳	مُفت خوری.....	۱۰۴

حفظ حافظ	۱۰۶.....	برزقندی	۱۴۷.....
لک لک	۱۰۸.....	خانم زحمتکش	۱۴۹.....
بی چشم و رو	۱۱۰.....	منارعه یا مناظره	۱۵۱.....
شادی کجاست؟	۱۱۳.....	تاکسی ران و رفتگر	۱۵۳.....
عشق لیس آنجلسی یا پشت کوهی؟	۱۱۵.....	کودکی	۱۵۵.....
تاکسی ۲	۱۱۷.....	اسب من تندتر می ره!	۱۵۸.....
طاووس ۲	۱۲۰.....	سگهی خوش خاطره	۱۶۰.....
تاکسی ۳	۱۲۲.....	فرزند خوانده	۱۶۲.....
چاه به چاه	۱۲۵.....	فرزند کشی	۱۶۷.....
زیر شلوار راه راه	۱۲۸.....	ساز کوک است	۱۶۹.....
قاجاق چی ها	۳۰.....	تکرار حماقت	۱۷۱.....
اگر زورم بهت می رسید...!	۱۳۵.....	فانزهی سربازی	۱۷۳.....
پُتک	۱۳۹.....	قبرستان	۱۷۶.....
رونیکا	۱۴۳.....		

عمده‌ی این قصه‌ها، قصه‌هایی نیستند که من آن‌ها را ساخته باشم، این قصه‌ها مرا ساخته‌اند. پیش از بی‌سی سال شنیدن زندگی مردان و زنان و کودکان و نوجوانانی که یا به تنگ آمده‌اند و از زندگی را بر خود و دیگران تنگ کرده‌اند گاه و بی‌گاه، به‌جا و بی‌جا مرا به تنگ‌ناهایی رساند که چه بسیار برای بیرون آمدن از آن، خود درمانده‌ام. گاه با آن‌ها گریستم و با بسار در خلوت، در کار خود مانده‌ام. گاه با همکار یا استادی مشورت کرده‌ام و گاه - یعنی را به کمک خواسته‌ام.

قصه‌ها، قصه‌های غصه‌اند. مردمانی که در به در به دنبال شادی بوده‌اند. گاه من هم با آن‌ها به جست‌وجوی شادی برآمده‌ام و گاه از همان ابتدا عصای سفیدی به دست گرفته‌ام که «آی شادی کجاست؟»

بسیار، خود درمانده بوده‌ام. بسیار به روان‌شناسان همکار: روان‌شناسی پناه برده‌ام و اعتراف می‌کنم که گاه از آن گریخته‌ام چرا که «انتقال متقابل» به عنوان مقوله‌ای غربی نتوانسته است جان شرقی مرا از همزاد پنداری با مراجعینم رساند و نتوانسته‌ام مراجع را جای خود، فرزندم و یا برادر و خواهرم و یا پدر و مادرم نبینم.

قصه‌ها، قصه‌های من نیستند و بی‌هیچ مهارتی آکادمیک در قصه‌نویسی، از جان برآمده‌اند و برکاغذ نشسته‌اند و حاصل آمیزش جان من با رنج مراجعینم بوده‌است. نخواست‌ام از حق دور شوم و یا حقه‌ای به کار بزنم تا حادثه‌ای در قصه‌ام شکل بگیرد. این قصه‌ها، غصه‌ی مردمانی بوده که بعضاً خود، سرا پا حادثه بوده‌اند.

در جمع کردن این مجموعه مدیون بسیاری از مراجعینم هستیم. خاطراتی هم از دوران کودکی و بزرگسالی خود نوشته‌ام که به سیاق همراهی و همنوایی با بقیه‌ی خاطرات حرفه‌ای‌ام بوده است. شاید شباهت‌هایی که با مردم دیده‌ام و کمک‌هایی که از آن‌ها گرفته‌ام موجب شده باشد که جرئت خود افشایی یافته و خود را میان آن‌ها و زندگی‌نامه‌ی‌شان آشنا و امن دیده باشم. گاه نیز قصه‌های تکریم و غصه‌های دوستی‌ها نوشته‌ام که جزء زندگی حرفه‌ایم نبوده‌اند ولی بزرگواری آن‌ها موجب شده که از آن‌ها نیز بنویسم.

کسی که تمام روز کسی فاش نشود اما گاه بزرگی قاجعه چنان بوده که ممکن است دیگران بتوانند مناسبتی را حدس بزنند. ممکن است بعضی از خوانندگان کتاب از همان افرادی باشند که به من مراجعه داشته‌اند اما غیر از خودشان کسی نخواهد فهمید که این راز آن‌هاست.

این مجموعه به زعم بعضی از منتقدان و همکاران و اساتید ممکن است بتواند برای بعضی خوانندگان کتاب، نکته‌ها داشته باشد. امید است که چنین باشد.

احمد پدram

Ahmad_pedram1335@yahoo.com

www.espadana-pedram.org